یادداشت

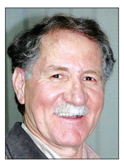

مرجع کمانچه‌نوازی کشور

علی‌اکبر شکارچی*

استاد محمد مقدسی یکی از کمانچه‌نوازان مشهور موسیقی سنتی ما هستند. هر زمان کسی بخواهد درباره تاریخ کمانچه و سیر و تکوین نوازندگی آن و نوازندگان و هنرمندان کمانچه مطلب بنویسد یا بخواهد در خصوص تدریس کمانچه صحبت کند، بدون استثنا نام استادان محمد مقدسی و داود گنجه‌ای مثل دوتا زوج همیشه بر سر زبان‌ها است و همه از این دو مرد بزرگ به نیکی یاد می‌کنند، چراکه این دو عزیز حلقه‌ای بودند از مکتب استاد بزرگ کمانچه جناب علی‌اصغر بهاری. این دو هنرمند ارجمند جزو نخستین کسانی بودند که خیلی چشمگیر و برجسته کمانچه نوازی را شروع کردند. من خودم این دوتا مرد بزرگ را استاد و مربی خودم می‌دانم. گرچه ما حضوری ننشستیم درس بگیریم، ولی به هر حال به‌طور غیرمستقیم از طریق شنیدن نغمه ساز این بزرگان از ایشان بهره‌ها بردیم. لذا به‌نظر من ایشان مرجع کسانی شدند که کمانچه‌نوازی را بعد از آنها شروع کردند. استاد مقدسی با استاد نورعلی‌خان برومند انس و الفت دیرینه داشتند و هم در محضر استاد علی‌اصغر بهاری و در ادامه استادان سعید هرمزی و مسعود فروتن و عبدا...خان دوامی به‌طور مستمر و پیوسته مشق هنر موسیقی و اخلاق کرده و مهم‌تر از آن قبل از آنکه کمانچه‌نوازی را شروع کنند، در مکتب استاد ابوالحسن صبا نزد ایشان به فراگیری ویلن‌نوازی پرداخته و در ادامه بعد از درگذشت استاد صبا شیوه‌ها و تکنیک‌های ویلن‌نوازی را نزد دیگر استادان برجسته ویلن‌نوازی آن زمان فرا گرفته و بر آنچه که آموختند کاملا مسلط شده بودند. لذا از این طریق با بهره‌مندی از این پشتوانه قوی توانستند برای کمانچه‌نوازی هم شیوه و تکنیک‌های بدیع و جدید ارائه کنند. لذا از این رهگذر یک ویژگی خاص را پیدا کردند نکته مهم دیگر اینکه، بعد از آنکه ایشان، کمانچه‌نوازی را شروع کردند، در مرکز حفظ و اشاعه زیر نظر نورعلی‌خان برومند و زنده‌یاد دکتر داریوش صفوت، به منبعی سرشار از آثار نوازندگی و هنر موسیقی ایرانی از دوره قاجار دست یافتند، که از این حیث با شیوه نوازندگی استادان آن زمان از جمله باقرخان رامشگر و خصوصا حسین‌خان اسماعیل‌زاده آشنا شدند. آنچه که تاثیر بسزا و سبک منحصربه‌فرد نوازندگی ایشان را روشن می‌سازد در گروه ارکستر آقای داریوش طلایی کاملا مشهود و ملموس است و هنوز صدای ساز این استاد گرانمایه و همچنین استاد داود گنجه‌ای در گوش من طنین‌انداز است و از این حیث من خودم را مدیون شیوه نوازندگی کمانچه این دو استاد می‌دانم. نکته دیگر اینکه استاد مقدسی هم ردیف استاد صبا را به‌خوبی می‌دانند و بر آن احاطه دارند و هم بر ردیف موسیقی ایرانی به روایت میرزاعبدا... که در دانشگاه زیر نظر نورعلی‌خان برومند و دکتر داریوش صفوت آموختند، کاملا مسلط هستند و امروز نیز روش تدریس خود را بر آن استوار کرده‌اند. موسیقی استاد محمد مقدسی آمیخته‌ای است از ردیف استاد صبا و شیوه نوازندگی حسن‌خان اسماعیل زاده و باقرخان رامشگر و بعد از آن ردیف میرزاعبدا.... خوش به سعادت کسی که این چند مکتب را آموخته و درک کرده باشد. افزون بر اینها هفته‌ای یک یا دو جلسه عبدا...خان دوامی یا به مرکز حفظ و اشاعه می‌آمدند و یا استاد مقدسی به محضر ایشان می‌رفتند و ردیف‌های آوازی را نیز نزد ایشان فرامی‌گرفتند. استاد مقدسی هنرمندی بسیار نجیب و بااخلاق هستند، مردی پاک‌طینت و بزرگمنش. همیشه با متانت و به نکویی سخن می‌گویند و صداقت زینت گفتار ایشان است. ایشان حقیقتا پشتوانه‌ای قوی برای موسیقی اصیل کشور هستند.

* نوازنده پیشکسوت کمانچه

نگاه

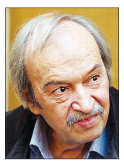

هنرمند بااخلاق کمانچه

حسن ناهید*

من حدودا سال ۱۳۴۷ در تلوزیون ملی ایران (ثابت پاسال) که تازه تاسیس شده بود، با آقای مقدسی آشنا شدم. در آن زمان من سولیست ارکستر استاد حنانه بودم. جناب حنانه از آقای مقدسی آزمونی گرفتند و در نهایت ایشان را پذیرفتند و آقای مقدسی وارد ارکستر ایشان شدند و ما از آنجا باهم آشنا و همکار شدیم. بعد در ارکستر درویش با هم همنواز شدیم که سرپرست ارکستر هم آقای رضا شفیعیان بودند. البته در آن زمان ارکستر دیگری هم به نام درویش بود که سرپرستی آن را جناب استاد مهدی مفتاح بر عهده داشتند. من با استاد مقدسی در غالب ارکسترهای مختلف برای اجرای موسیقی ایرانی به بیشتر کشورهای جهان سفر کردیم. همین‌طور در بسیاری از شهرهای ایران در برنامه‌ها و مناسبت‌های مختلف با ارکسترهای مختلف کنسرت اجرا کردیم. از نظر اخلاقی ایشان واقعا انسانی نمونه و وارسته هستند. مردی آرام و پاک‌طینت، خانواده و همسر و فرزندان بسیار محترمی دارند. نیم قرن است که بنده با ایشان انس و الفت و دوستی دارم. ایشان از بدو تاسیس مرکز حفظ و اشاعه موسیقی با این سازمان همکاری‌های مستمر داشتند و جزو نوازندگان و هنرمندان اصلی و پایه‌گذار ارکستر مرکز به سرپرستی دکتر داریوش صفوت بودند. معلمی دلسوز و بادانش و علم بسیار که با جدیت در تمام این سال‌ها به پرورش و تربیت شاگردان و هنرجویان اهتمام ورزیده است. آقای مقدسی یکی از بهترین شاگردان استاد بزرگ کمانچه ما زنده نام علی‌اصغرخان بهاری هستند. وی تعلق خاطر و دلبستگی خاصی به استاد خود دارد و از این نظر در تمام این سال‌ها خصوصیات اخلاقی و هنری استادش را در زندگی فردی و تدریس به‌کار گرفته و شیوه زندگی او را روش زیستن خود کرد. ایشان هرگز در قید و بند مادیات نبودند. با عشق و اصالت کمانچه می‌نوازند. من به جوانانی که به ساز کمانچه علاقه‌مند هستند سفارش می‌کنم، استاد محمد مقدسی را الگوی خویش قرار دهند و از ساز ایشان درس یاد بگیرند و مهم‌تر اینکه از اخلاق و منش انسانی ایشان درس زندگی و معرفت بیاموزند. به قول استاد حسین تهرانی «۹۹تا اخلاق، یکی هنر». به جوانان عزیز سفارش می‌کنم که از اخلاق و هنر استاد محمد مقدسی استفاده کنند تا نوازنده و انسان خوبی برای فرهنگ موسیقی ایران باشند، انشاءا...

* موسیقیدان و استاد پیشکسوت نی

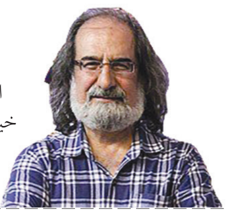

نجابت او زینت هنر اوست

استاد مقدسی یک فرشته است؛ از موسیقیدانان آگاه و صاحب‌نظر معاصر ما، شاگرد صبا بوده‌اند و کمانچه را خیلی عالی می‌نوازند. هنرمندی بسیار بااخلاق و شریف که نجابت و کم‌گویی ایشان زبانزد تمام موزیسن‌های ماست. من اگر قرار باشد هرجا ساز بنوازم، حقم را می‌گیرم، اما ایشان حتی اگر آنچه که حق اوست، به ایشان پرداخت نکنند، به هیچ عنوان شکایتی نمی‌کند و این از افتادگی و خلوص نیت ایشان است. گرچه من در مکتب ایشان درس نیاموخته‌ام، اما همیشه ایشان را به‌عنوان پیشکسوت و استاد خودم می‌شناسم و قدرشناس ایشانم. برای این استاد گرانقدر از صمیم جان آرزوی تندرستی و طول عمر دارم.

استاد محمد مقدسی در گفت‌وگو با «آرمان»:

جامعه ما به نقد آگاهانه نیازمند است

آرمان- بهنام موحدان (پندار): معیار سنجش اعتبار انسان‌ها به میزان نیک‌پنداری، آزادگی و گستره اخلاقیات، سطح نگرش‌های اجتماعی و ارزش آثاری بستگی دارد که از خود بر جای می‌گذارند. از این رهگذر هنرمندان شریف‌ترین انسان‌های هر جامعه هستند. در این میان در قلمرو هنر ایرانی، استادان موسیقی ملی ایران سرآمد اهل معرفت و خاستگاه ستایش فرهنگ کهن ایران‌زمین‌اند. لذا حسن‌نیت هنرمندان موسیقی ما، اعتبار فرهنگی جامعه ما را عینیت می‌بخشد. استاد محمد مقدسی از سلاله نسلی از هنرمندان والامقام موسیقی ایرانی است که با جوهره انسانی و نبوغ هنری و احساسات پاک وطن‌دوستی خویش، رنسانس موسیقی ایرانی را رقم زدند و فرهنگ جامع موسیقی کشور را شکل بخشیدند. پیرامون جایگاه استاد ابوالحسن صبا و زوایای پیدا و نهان ساز کمانچه و نقش استاد علی‌اصغر بهاری در تحولات کمانچه‌نوازی کشور با این استاد پیشکسوت کمانچه و وارث شایسته دردانه کمانچه‌نوازی ایران زنده‌نام علی‌اصغرخان بهاری گفت‌وگویی داشتم که در ادامه مشروح آن را می‌خوانید.

◇ شما جایگاه استاد ابوالحسن صبا در جامعیت و تداوم موسیقی ملی ایران را چطور ارزیابی می‌کنید؟

ذوق موسیقایی و نبوغ هنری و نغمه‌پردازی و شیوه پژوهندگی استاد صبا در زمینه تنظیم و جمع‌آوری نغمات موسیقی محلی بی‌نظیر و منحصر به خود ایشان بود و از این رهگذر نامیدن او به‌عنوان پدر موسیقی ملی ایران تنها شایسته اوست. ما هرچه موسیقی داریم، از صبا داریم؛ قطعات بی‌نظیر و شناسنامه‌داری مانند «زرد ملیجه»، «کوهستانی»، «به زندان»، «رقص چوپی یا قاسم‌آبادی»، «مثنوی اصفهان» و «چهار مضراب زنگ شتر» که به اشکال مختلف در ارکسترهای موسیقی ایرانی به اجرا درآمده‌اند. ساده از کنار این قطعات نگذرید، اگر خواهان پیشرفت و کسب مدارج عالی در هنر موسیقی ایرانی هستید، این آثار بدیع موسیقایی را گوش بدهید، آنالیز کنید، توالی گوشه‌ها و ردیف‌های موسیقی آن را بررسی کنید. مختصات و ساختار شکل‌گیری آن را بشناسید، خلاقیت و چگونگی نواپردازی آن را درک کنید. خب شما ببینید اینها همه حاصل تعهد و احساس مسئولیت و ذوق هنری و عشق بی‌نهایت استاد صبا به فرهنگ موسیقی ایرانی بود. اینکه می‌گوییم زیربنای موسیقی ایرانی عشق و رنج است، یک شعار عرفانی نیست، بلکه حقیقت محض است. برای شناسایی و پرکردن صفحه و ضبط آهنگ‌های ملی ایران و تدوین ردیف‌ها و نظام موسیقی دستگاهی ایران هنرمندانی نظیر ابوالحسن صبا و فرامرز پایور و موسی‌خان معروفی زحمات و مشقات فراوانی متحمل می‌شدند. اینکه عمر و زندگی خویش را بدون انتظار و توقع دریافت دستمزد، عاشقانه و صادقانه صرف نگارش و آوانگاری و گردآوری رپرتوآرهای موسیقی ایرانی کنی، کار هرکسی نیست. شما اگر پیشینه و چگونگی آفرینش این قطعات را بدانید آنگاه متوجه معنای کلام من می‌شوید. شادروان جواد بدیع‌زاده درباره سفری که همراه استاد صبا به سوریه و لبنان جهت پرکردن صفحه داشت، چنین نقل کرده‌اند: بعد از اقامت کوتاهی در بغداد با یک ماشین که راننده آن مردی عرب بود، به طرف شام حرکت کردیم. به‌دلیل بی‌اطلاعی راننده از راه و مسیر وسط بیابان گم شدیم و چهار روز در صحرای برهوت سرگردان بودیم. در چهارمین روز حدود ساعت دوازده شب، صبا که از ما باهوش تر بود، گفت: صدای حرکت ماشین را حس می‌کنم. بعد از لحظاتی در مسیر افق روشنایی چراغ ماشینی ظاهر شد و در فاصله دور از ما ایستاد. خود را به ماشین رساندیم. استاد در آن وضعیت سخت، ویلن را برداشت و در مایه سه‌گاه درآمدی نواخت و من نیز در همان مایه غزلی از حافظ خواندم. استاد صبا درباره این قطعه گفت: این چهار مضراب را من «زنگ شتر» نام گذاشتم که چندی در خاطرم دارم و به شاگردان خود تعلیم می‌دهم و بلافاصله سیگار خود را از جیبش درآورد و روی قوطی سیگار چهار مضراب را نوشت و این همان زنگ شتری است که در کمپانی «سودوا» آن را ضبط کرده و روی صفحه نوشت به یاد «غزاله» و اکنون پس از سال‌ها این چهار مضراب به چند رقم با ارکسترهای گوناگون ضبط شده و در واقع تمرین نوازندگان سازها است. موسیقی تنها نواختن ساز نیست، چه آهنگساز و چه نوازنده باید این فداکاری‌ها و سخت‌کوشی‌های بزرگان موسیقی را درک کنند و به سهم خود با مطالعه و پژوهش و با نگاهی موشکافانه زوایای پیدا و نهان گوشه‌ها و نغمه‌های موسیقی دستگاهی و محلی ایران را بشناسند و به ساخت آثاری نو و بدیع بپردازند.

◇ خاستگاه این عشق و دلبستگی در کجاست؟

در استاد صبا همیشه احساس مسئولیت و درک خطر برای موسیقی ایرانی وجود داشت. بر شرایط زمانه آگاه بود و با نبوغ و دانش منحصر به فرد خویش و دوراندیشی و خردمندی، هویت موسیقی ایرانی را شکل می‌بخشید. تا آخرین لحظات عمر پربارشان با جدیت موسیقی اصیل ایرانی را پیگیر بودند. همیشه می‌گفتند: «حال که آرزو، امیال و تمنیات ما به‌واسطه نفوذ تمدن اروپایی اوج گرفته، متحیر هستم که جوانان با این موسیقی چه می‌کنند. غم نهفته در این موسیقی برخاسته از غم‌ها و مصیبت‌های تاریخی ماست. حوادث غم‌بار تاریخی است که ذهنیت ما را دگرگون کرده و همه تراوشات ذهنی ما را چه در شعر چه در موسیقی و هنرهای دیگر غمگنانه ساخته است.» استاد صبا اما چاره این غم را ایجاد شادی و نشاط در درون می‌دانستند: «اگر بخواهیم موسیقی نشاط آور داشته باشیم باید اول در درون خود ایجاد شور و نشاط کنیم. آن وقت طبیعتا موسیقی ما هم که تراوش روح ماست، نشاط‌آور خواهد شد.» موسیقی برای ایشان یک فضیلت و فریضه بود نه شغل و پیشه اجتماعی. اشاعه اخلاقیات ایشان در موسیقی ایرانی، رمز ماندگاری این هنر اصیل کشور در قلب مردم بود. شب یلدای امسال شصتمین سال جاودانگی این اسطوره جاودان موسیقی کشور بود. اندیشه و آثار استاد صبا در بطن موسیقی ایرانی همیشه جاری و ساری است. «زمان بگذرد و بزرگانی چونان صبا نگذرند. صبا زنده است، چنان‌که می‌بینید، چنان‌که می‌شنوید.»

◇ ویژگی استاد صبا به‌عنوان یک معلم چه بوده است که تمام استادان بعد از وی به‌نحوی از او تاثیر گرفته و یا مستقیما شاگرد ایشان بوده‌اند یا از طریق تالیفات و کتاب‌های آموزشی ایشان درجات کمال در موسیقی را طی کردند؟

استاد صبا بزرگ‌ترین معلم موسیقی ایرانی بودند. پژوهش‌های ایشان در شناسایی و گردآوری نغمه‌ها و اصوات طبیعی تاثیر بسزایی در تدوین نظام گوشه‌ها و نغمه‌های موسیقی دستگاهی ایران داشت، به‌طوری که امروزه بعد از گذشت ۵۰ سال از درگذشت ایشان، هنوز هیچ کتاب و متد جدید آموزشی برای تربیت هنرجویان و دانشجویان موسیقی به کیفیت و انسجام آثار تالیفی استاد صبا نوشته نشده است. ایشان در سنین کودکی زیر نظر میرزاعبدا... و درویش‌خان و علی‌اکبر شاهی و حسین‌خان اسماعیل‌زاده و حاجی‌خان ضربتی که جملگی از قدمای موسیقی کشور بودند، به ترتیب به فراگیری تار و سه‌تار و سنتور و کمانچه و تنبک پرداخته و بر اصول و تکنیک‌های نوازندگی آن کاملا مسلط شدند. استاد صبا از جوهره هنری و قریحه ذاتی و ذوق موسیقایی منحصربه‌فردی برخوردار بودند و به‌واسطه کسب دانش و هنر موسیقی و بهره‌مندی از مکتب چنین بزرگانی و ترکیب این دو با هم به مقام و منزلتی در موسیقی ایرانی دست یافتند که برای کمتر موسیقیدانی چنین توفیقی میسر است، به‌طوری که یک موسیقیدان ایتالیایی که در زمان حیات استاد صبا با او ملاقات کرده است، درباره‌اش می‌گوید: «این مرد به‌تنهایی یک ارکستر کامل است.» استاد صبا از ظرفیت بالای معلمی و قدرت انتقال مفاهیم بالایی برخوردار بودند و آنچه را که آموخته و تجربه اندوخته بودند با عشق و جدیت به نسل‌های بعد انتقال دادند. ایشان طرز تعلیم را دقیق می‌دانستند و با حوصله با شاگردان خود کار می‌کردند. برای سازهای ملی ایران رپرتوآرها و دستورالعمل‌های آموزشی خاص همان ساز را تنظیم و تدوین کردند. آن زمان مثل امروز دستگاه‌های کپی و زیراکس نبود، لذا ایشان با عشق و همت والای خود هر قطعه را بارها تا نیمه‌های شب بیدار می‌ماند و برای هنرجویانش دستنویس می‌کردند و در اختیار شاگردان قرار می‌دادند. در ویلن‌نوازی ایشان سه کتاب دوره اول و دوم و سوم داشتند که مبنای آموزش ویلن‌نوازی بود. ایشان برای هنرجویان مستعد که عطش سیری‌ناپذیری برای فراگیری موسیقی داشتند، در آن زمان به‌صورت دستنویس گوشه‌ها و نغمه‌های جدیدی از ردیف و موسیقی دستگاهی را می‌نوشتند و می‌آموختند. استاد صبا آموخته‌های خود از استادان بزرگ خویش را با هنر و دانش و تجربیات ارزنده خود تلفیق کرده و به نگارش دستورالعمل‌ها و اسلوب آموزشی از مبتدی تا پیشرفته می‌پرداخت. تالیفات ایشان سلسله‌مراتب داشت و شاگرد را پله‌پله تا سطح عالی هدایت می‌کرد. در عین حال نیز شیوه آموزشی ایشان از یک طراوت و تنوع گسترده برخوردار بود که به شاگردانش انگیزه و اشتیاق لازم برای فراگیری و ادامه مسیر تا رسیدن به نتیجه مدنظر را القا می‌کرد. اینگونه بود که هنرمندان بزرگی نظیر استادان علی تجویدی، حسین دهلوی، فرامرز پایور، همایون خرم و پرویز یاحقی در مکتب علمی اخلاقی او رشد یافته و به شایستگی به درجه استادی رسیدند و اندیشه و هنر استاد صبا را به نسل‌های بعد انتقال دادند.

> موسیقی یک هدف نیست، بلکه طریقی است برای پویش سعادت و درک هستی و شناخت خویشتن. اگر کسی دنبال شهرت و تجارت با موسیقی باشد، خود و آنچه که به نام هنر ارائه می‌کند، ماندگار نخواهد بود. موسیقی ملی ایران، موسیقی بازاری نیست، و نباید با آن تجارت و داد و ستد کرد و به کسب مال و ثروت پرداخت. این موسیقی مخصوص این آب و خاک است و در هیچ کجای دنیا نظیر آن پیدا نمی‌شود

◇ لطفا قدری درباره نقش استاد علی‌اصغر بهاری در احیای ساز کمانچه و تحول نظام کمانچه‌نوازی معاصر کشور برایمان بفرمایید.

استاد علی‌اصغر بهاری، از معروف‌ترین و سرشناس‌ترین استادان کمانچه ایران است؛ هنرمند والامقامی که به کمانچه شخصیت و اعتباری دیگر بخشید. او پلی است میان کمانچه‌نوازان عهد قاجار و نسل امروز، ایشان نوع نگاه مردم به کمانچه را آنگونه که خود متعهدانه به این ساز می‌نگریست، تغییر داد. وی نخستین استاد کمانچه‌نوازی بود که این ساز را از کلیشه فولکلوریک به سازی ملی تبدیل کرد و شیوه نوازندگی آن را از قطعه‌نوازی محلی به اجرای آثاری منطبق بر موسیقی دستگاهی ایران و ردیف‌های موسیقی ایرانی ارتقا بخشید. او میراث قدمای کمانچه‌نوازی از جمله باقرخان رامشگر و حسین‌خان اسماعیل‌زاده را که تا آن زمان سینه به سینه نقل شده بود، با نبوغ هنری و دانش موسیقایی خود درآمیخت و مکتب کمانچه‌نوازی نوین ایرانی را بنیاد نهاد. اوایل سال‌های ۱۳۳۰ روزگاری که این ساز داشت فراموش می‌شد و اغلب به دیده تحقیر به آن نگاه می‌کردند و بی‌پرده و آشکار کمانچه را سازی خاص نوازنده‌های دوره‌گرد قلمداد می‌کردند، استاد بهاری تمام سعی و تلاش خود را وقف احیای این ساز کرد و برای نخستین‌بار در رادیو به اجرای برنامه با کمانچه پرداخت؛ سازی مهجور که بعد از یک دوران طولانی تحقیر و گمنامی با مدد از عشق استاد بهاری، نوای مهرانگیزش از طریق رادیو به گوش همگان رسید و موجب اقبال و توجه جوانان به این ساز شد. او شیوه نوازندگی استادان قبل از خود را به کمال رسانید و سبکی نو در نوازندگی کمانچه پدید آورد که از نظر شیوه کمان‌کشی، شفافیت صدا، اجرای تکیه‌ها، چهارمضراب‌ها، رِنگ‌ها، ضربی‌خوانی‌ها، جذابیت و زیبایی، ردیف‌نوازی و بداهه‌نوازی جریانی نو در نظام موسیقایی کشور شده و به احیای دوباره کمانچه و تداوم کمانچه‌نوازی کشور انجامید که به تمام تکنیک‌ها و شیرین‌نوازی‌ها و جذابیت‌های موسیقی ایرانی را در خود دارد. ایشان نخستین استاد کمانچه دانشکده موسیقی دانشگاه تهران بودند و من از سال ۱۳۴۶ تا زمان درگذشت ایشان، به مدت ۲۵ سال افتخار شاگردی وی را داشتم. در تمام این مدت شاهد عشق‌ورزی‌ها و احساس مسئولیت و جدیت و تلاش مداوم استادم بودم که چطور هستی و وجود خود را وقف موسیقی ملی ایران و احیای ساز کمانچه می‌کرد. جان‌پرور است قصه ارباب معرفت/ رمزی برو بپرس، حدیثی بیابگو.

> با مدرن‌شدن جامعه و تحولات روز افزون اجتماعی، طرز فکر و شیوه زیستن نسل‌های جدید هم تغییر کرده است. موسیقی اصیل کشور هم امروز دوران افول و نوعی دگردیسی را سپری می‌کند. شاید بهتر باشد آن موسیقی اصیل که از دل برمی‌آمد و لاجرم هم بر دل می‌نشست، امروز اندکی در سایه قرار گیرد تا وجه تمایزی باشد میان واقعیت و سراب و مردم نیز بتوانند سره را از ناسره تشخیص دهند

◇ از خصوصیات اخلاقی استاد علی‌اصغر بهاری بفرمایید.

آنچه از زندگی و رفتار هنری ایشان و از دوستان و شاگردان و نزدیکان آن بزرگوار شنیده می‌شود، به معنی واقعی کلمه گواهی است بر زندگی درویشانه استاد بهاری چه از نظر معنوی و چه از نظر مادی. به یاد دارم در حضور ایشان در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایران، استاد بهاری درباره طی طریق در عالم هنر می‌فرمودند: پسرم کمانچه سازی است بی‌نظیر مانند اسبی وحشی، اگر توانستی این اسب را رام کنی، همراه و دمساز تو خواهد شد، وگرنه بر زمینت خواهد انداخت. این ساز اگر در دست نوازنده رام شد، آنچنان توان و قدرت و ظرافت دارد که می‌شود با آن گفت‌وگو کرد و شاید به خاطر همین توانایی است که در بعضی موارد آوازخوان‌ها از همراهی با آن طفره می‌روند. ایشان در مورد دارایی و مال‌اندوزی نیز می‌فرمودند: پول و ثروت بیش از اندازه، چه از راه درست و چه از راه غلط، انسان را فاسد می‌کند، پس هرگز به‌دنبال آن مباش.

◇ از نظر شما نقد و نقادی چه تاثیری بر پیشرفت هنرها دارد؟

ببینید یکی از عوامل پیشرفت در اجتماع، انتقاد و نقد مسائل و امور است. به قول مارکس «امروزه عملکرد راستین هنر، نقد اجتماعی است.» یک هنرمند با ارائه آثار هنری خویش، هم جامعه و سرزمین خویش را به جهانیان می‌شناساند، هم موازی با آن زیبایی‌ها و زشتی‌های جامعه خویش را هنرمندانه به بوته نقد می‌گذارد و آن را یا ستایش می‌کند و یا نسبت به آن اعتراض دارد. اما امروزه اکثر آن کسانی که به‌نام منتقد در واقع به تفتیش عقاید و آثار هنری و شخصیت هنرمندان می‌پردازند، متاسفانه با کمترین آگاهی و دانش و تخصصی، واژه‌هایشان را با حب و بغض و غرض‌ورزی کنار هم چیده و برخی را به سقف آسمان و برخی دیگر را به حضیض خاک می‌چسبانند. البته این را هم در نظر داشته باشید که شرایط کاملا تغییر کرده است و بستر جامعه دگر مهیای ظهور هنرمندان طراز اولی همچون ابوالحسن صبا، روح‌ا... خالقی، مرتضی محجوبی، جلیل شهناز، فرامرز پایور و نظیر این بزرگان گرانمایه نیست. با تغییر نسل، دیدگاه‌ها و عقاید آدم‌ها هم تغییر کرده است. با مدرن‌شدن جامعه و تحولات روز افزون اجتماعی، طرز فکر و شیوه زیستن نسل‌های جدید هم تغییر کرده است. موسیقی اصیل کشور هم امروز دوران افول و نوعی دگردیسی را سپری می‌کند. شاید بهتر باشد آن موسیقی اصیل که از دل برمی‌آمد و لاجرم هم بر دل می‌نشست، امروز اندکی در سایه قرار گیرد تا وجه تمایزی باشد میان واقعیت و سراب و مردم نیز بتوانند سره را از ناسره تشخیص دهند. ما سمیعیم و بصیریم و خوشیم/ با شما نامحرمان، ما خاموشیم. یکی از مشکلات اصلی امروز جامعه ما، نبود نقد سازنده و منتقد آگاه و متعهد است. امروز غیبت نقد سازنده در جامعه ما خصوصا در حوزه فرهنگ و هنر که بنیاد هر جامعه‌ای را می‌سازد، به‌شدت احساس می‌شود. در مورد هنر و آثار هنری بزرگان و مشاهیر هنر کشور، تنها کسانی صلاحیت نقد آثار هنری را دارند، که یا خود در جایگاه و مقام یک هنرمند، صاحب اندیشه و اثر باشند و یا آگاهی و دانش هنری و فرهنگی‌شان در مقیاسی برابر و یا احتمالا بیشتر از هنرمندان باشد. لازم به ذکر است که منظور از نقد و انتقاد، بدگویی و نکوهش یک اثر یا شخص نیست، بلکه تحلیل و بررسی جنبه‌های مختلف یک اثر هنری و پدیدآورنده آن است.

◇ شما می‌دانید که بسیاری از ما در کنار خصوصیات خوبمان مثل مهمان‌نوازی، خصوصیات بدی هم داریم مانند فراموشکاری و اندکی قدرناشناسی! قشر تحصیلکرده و دانشجوی ما نیز از این قاعده مستثنی نیستند، البته نه همه‌شان. با در نظر گرفتن این خصوصیات شما فکر می‌کنید میراث بزرگان موسیقی ملی ایران در آینده چه سرنوشتی داشته باشد؟

ابن‌خلدون می‌گوید «موسیقی در یک جامعه زمانی به اوج تبلور و شفافیت و تکامل خود می‌رسد، که تمام ارکان آن جامعه در اوج رفاه و آرامش و سازندگی باشد» بنیاد جامعه را فرهنگ و سنت و زبان و نمادهای تاریخی سرزمینمان می‌سازند. با نبود یا کمرنگ‌شدن یکی از ارکان جامعه یا تمام آنها، نه‌فقط حرکت هنر موسیقی بلکه تمامی شاخصه‌های زیبایی‌شناسی و جریان‌های انسان‌ساز جامعه تحت‌الشعاع قرار گرفته و متوقف می‌شوند. ما در عرصه‌های مختلف جوانان خوب و بااستعداد و مستعد زیادی داریم که با جدیت مشغول فعالیت هستند. نسل جوان ما، نسلی باانرژی و پویا است. بالطبع در مسیر کسب تجربه و دانش‌اندوزی تا رسیدن به شناخت و درک واقعیات جامعه، مرتکب اشتباهاتی نیز می‌شوند که امری بدیهی ست اما باید بلافاصله به مسیر اصلی بازگردند و به جبران اشتباه خویش بپردازند. البته نباید آزموده را دوباره بیازمایند و از این رهگذر باید از تجربیات پیشکسوتان عرصه‌های مختلف علم‌اندوزی کنند و این مهم تنها از طریق مطالعه و بازشناسی منابع زنده و مستند و نیز همفکری با اصحاب دلسوز و آگاه و اندیشمند جامعه میسر می‌شود. انسان نباید در هیچ شرایطی امید خودش را از دست بدهد. من به آینده هنر موسیقی ایرانی با وجود جوانان مستعد و پرتلاشی که می‌شناسم، امیدوارم.

◇ و سخن آخرتان...

موسیقی یک هدف نیست، بلکه طریقی است برای پویش سعادت و درک هستی و شناخت خویشتن. اگر کسی دنبال شهرت و تجارت با موسیقی باشد، خود و آنچه که به نام هنر ارائه می‌کند، ماندگار نخواهد بود. موسیقی ملی ایران، موسیقی بازاری نیست، و نباید با آن تجارت و داد و ستد کرد و به کسب مال و ثروت پرداخت. این موسیقی مخصوص این آب و خاک است و در هیچ کجای دنیا نظیر آن پیدا نمی‌شود. نباید آن را به عناصر بیگانه آلوده و مخدوش ساخت. من نگویم خدمت زاهد گزین یا می فروش/ هر که حالت به کند در خدمتش چالاک باش. جوانانی که می‌خواهند به دنیای موسیقی راه یابند، باید دلداده و عاشق باشند. اگر دل خود را با زیبایی و اخلاق مطلق یکی نکنی، همه هنرها بی‌فایده است. در ره منزل لیلی که خطرهاست به جان/ شرط اول قدم آن است که مجنون باشی. استاد بزرگ موسیقی ایران، ابوالحسن صبا چنین فرموده‌اند «هنرمند واقعی کسی است که دلش برای هنر بتپد، تمام وجودش برای هنر کار کند و همه فکرش متوجه هنرش باشد و در راه اعتلای هنر همه‌چیز خود را وقف کند.» ایشان معتقد بودند روی هنر حساب بازکردن و انتظار تشویق و قدردانی و تقدیر داشتن از خصایص کسانی است که به هنرمندی تظاهر می‌کنند و هنرمند واقعی نیستند. من آنچه شرط بلاغ است با تو می‌گویم...

دیدگاه

پایداری برای حفظ هنر اصیل ایرانی

بهنام موحدان*

در این جهان پرآشوب که از سقف آسمانش، سنگ فتنه و تزویر می‌بارد، روزگار افول فرهنگ و معرفت، امپراطوری مدرنیته و چیرگی تجدد بر اخلاق و سنت، عصر برتری خشونت بر اصول اخلاقی بشریت، عصر پایان زیبایی جلوه‌های انسانیت، جنون قدرت، عصر فروپاشی انسان و شکست باورهای بشر، هستند نادره‌مردان و زنانی که آبروی بشر را به رشته هنر و اصالت و فرزانگی خویش گره زده‌اند تا مبادا روز رستاخیز، آدمی بر آستان جانان خویش، شرمسار و سرافکنده باشد. استاد محمد مقدسی یکی از همین فرزانگان است. دیوید هیوم فیلسوف عصر روشنگری می‌گوید: «آداب و رسوم اجتماعی راهنمای بزرگ زندگی بشر است.» سنت‌های جامعه ما نیز، که بنیاد اخلاق و شخصیت اجتماعی و هویت ملی ما را ساخته و ما امروز آن را به فراموشی سپرده و در مظاهر پوچ و بی‌محتوای مدرنیته و تجدد غوطه‌وریم، حاصل تفکر و بینش اصیل فرهنگی و رنج اجتماعی هنرمندانی است که بی‌واسطه به آفرینش هنری می‌پردازند. در این میان استادان موسیقی ایران سهم بسزایی در شکل‌گیری سنت‌های فرهنگی و جهانی‌شدن هویت ایرانی ایفا کرده‌اند. استاد محمد مقدسی در این راستا بی‌آنکه به جریانی خاص وابسته باشد و شخصیت اصیل خویش را به پول و سیاست بفروشد، با تکیه بر هوشیاری و آگاهی و درک بالای خویش از شرایط زمانه به حفظ و اشاعه اخلاق و هنر بزرگان موسیقی ملی ایران پرداخته و از اصالت و شخصیت فرهنگ کشور دفاع می‌کند و این مهم یکی از شاخصه‌های جامعه‌شناختی شخصیت و هنر نوازندگی اوست. تفکیک کمانچه‌نوازی از ویلن‌نوازی، انگشت‌گذاری استاندارد، ارائه شیوه تدریس منحصر به کمانچه‌نوازی و کوک‌های مخصوص کمانچه، بداهه‌نوازی‌های بدیع، سلونوازی‌های خلاقانه و ارائه ایده‌های نو در کمانچه‌نوازی از جمله دستاوردها و خدمات شایان ایشان در نیم قرن گذشته است. وی با نوگرایی در تکنیک‌های نوازندگی و شیوه‌های آموزشی ساز کمانچه، نقشی موثر در تحولات و شکوفایی کمانچه‌نوازی معاصر کشور ایفا کرده و تاثیر بسزایی بر کمانچه‌نوازان بعد از خود بر جای گذاشتند. از این رهگذر ایشان به شایستگی به‌عنوان یک شاخص و الگوی منحصربه‌فرد در کمانچه‌نوازی شناخته شده و در موسیقی کشور جایگاهی رفیع دارند. ایشان استادی با شیوه تدریس علمی و بنیادین هستند که ریشه در تفکر و پژوهش‌های استادان بزرگ موسیقی ایران ابوالحسن صبا، علی‌اصغر بهاری و دکتر داریوش صفوت دارد. نوازنده‌ای صاحب سبک با دستانی ذوالفنون که سلونوازی‌های خلاقانه و بداهه‌نوازی‌های کم‌نظیرشان جلوه‌ای دیگر به ساز کمانچه بخشیده و صدای شفاف و حقیقی این ساز تاریخی را به‌واسطه نوای دلنشین گوشه‌ها و نغمه‌های موسیقی دستگاهی به گوش جان آدمی می‌رساند. وی معلمی دلسوز و در عین حال جدی با گستره دانش و آگاهی کم‌نظیری است که خوی مستطاب استادی کامل‌کننده شخصیت علمی و هنری اوست. در اوایل دهه هفتاد، در روزگاری که شرایط اجتماعی ایران ملتهب از آسیب‌های سخت هشت سال جنگ تحمیلی بود و فرهنگ و هنر خصوصا موسیقی تحت‌الشعاع برخی محدودیت‌ها قرار داشت، استاد محمد مقدسی به‌رغم اینکه در تهران در ارکسترهای متعدد و در دانشگاه مشغول بودند، به سفارش استاد فرامرز پایور و عشق و ارادتی که به ایشان داشتند، فارغ از توقعات مادی و ریالی، دوری از همسر و فرزندان کوچک خود را تحمل کرد و با از خودگذشتگی به‌عنوان تنها استاد کمانچه در هنرستان موسیقی اصفهان به تدریس این ساز همت گماشت و مسئولیت خطیر احیای کمانچه‌نوازی اصفهان را بر عهده گرفت. از این حیث کمانچه‌نوازان اصفهان، امروز مدیون ایثار و زحمات و عاشقی‌های این استاد گرانقدر هستند. یکی از علت‌های مهم انزوا و گوشه‌گیری و مرگ خاموش اندک استادان باقیمانده موسیقی ایرانی، تغییر احوالات مردم جامعه و گرایش هنر به عوام‌گرایانه و رنگ‌باختن سنت‌ها و اخلاقیات و تبدیل‌شدن هنر به سرگرمی و تفریح نسل‌های جدید است. زیستن در چنین جامعه‌ای، روح ظریف و عواطف پاک هنرمندان موسیقی را سخت می‌آزارد و مخدوش می‌کند. استاد محمد مقدسی نیز از این قاعده مستثنی نیست. او که در تمام سال‌های پربار زندگی‌اش آبرومندانه و باشرافت و به دور از هر نفرتی زیسته است، هنر موسیقی اصیل را با جدیت دنبال کرده و به آن عشق ورزیده و پاسداری از میراث بزرگان موسیقی و حفظ و اشاعه مفاهیم و معانی و زدودن عناصر بیگانه از ساختار موسیقی ایرانی را رسالت اخلاقی و انسانی خویش دانسته، تاب تحمل چنین بی‌حرمتی‌هایی را ندارد. حقیقتا در سال‌هایی که جامعه ایرانی در ساختار فرهنگی و اجتماعی خود تغییر و تحولات بنیادینی را تجربه می‌کرد و با گستردگی ارتباطات جهانی و صف‌آرایی مظاهر تجدد و تکنولوژی در برابر اصالت و آیین‌های سنتی کشور، باورها و سلیقه‌ها و شیوه زندگی مردم نیز دستخوش تغییرات اساسی می‌شد، روزگاری که هنر موسیقی اصیل ایرانی در حاشیه امور فرهنگی کشور قرار گرفته بود، استاد فرامرز پایور و حلقه یاران و همکاران وی، بیش از سایر موسیقیدانان به فعالیت پرداخته و جانانه از خواسته‌ها و زندگی خویش گذشتند و با همه مشکلات و نامهربانی‌ها، خود را وقف موسیقی ایرانی کردند و به آفرینش هنری و پرورش و آموزش هنرجویان، تالیف و نگارش و گردآوری رپرتوآرهای موسیقی و اجرای کنسرت‌های متعدد داخلی و خارجی و حفظ و اشاعه میراث گذشتگان و فرهنگ جامع موسیقی ایرانی پرداختند. استاد محمد مقدسی بحق یکی از سوگلی‌های این حلقه است، که با جدیت، ممارست و تلاش خستگی‌ناپذیر بر پایه نبوغ هنری و جوهره انسانی خویش هرگز از پا نایستاد و در عرصه‌های مختلف موسیقی ایرانی در درجه اول در حفظ اصالت و وجاهت موسیقی ایرانی و در درجه دوم صیانت از میراث بزرگان موسیقی و در درجه سوم تداوم خط مشی و اندیشه‌های ناب و بنیادین آفرینندگان فرهنگ جامع موسیقی کشور به‌عنوان زیربنای هنری، علمی و اخلاقی موسیقی ملی کشور، گام‌های موثر و ماندگاری برداشت.

* کارشناس ارشد هنر و فلسفه

خبر

معرفی ۳ نامدار موسیقی ایرانی به‌عنوان گنجینه‌های زنده

استاد ابراهیم قنبری‌مهر، استاد محمد اسماعیلی و عاشیق سلجوق شهبازی، سه تن از نامداران موسیقی ایران، به‌عنوان «گنجینه زنده بشری» در فهرست حاملان میراث ناملموس معرفی شدند. به‌گزارش مرکز روابط‌عمومی و اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری کمیته ملی ثبت میراث ناملموس با حضور فرهاد نظری مدیرکل ثبت آثار و حفظ و احیای میراث معنوی و طبیعی و کارشناسان حوزه ثبت سازمان میراث فرهنگی، دوشنبه ۱۸ دی‌ماه در سالن فجر تشکیل جلسه داد و حدود ۶۰ پرونده از استان‌های مختلف را در حوزه میراث ناملموس ارزیابی کرد. در این جلسه اما سه تن از نامداران موسیقی ایران به‌عنوان گنجینه‌های زنده بشری در فهرست حاملان میراث ناملموس معرفی شدند. فرهاد نظری مدیر کل آثار تاریخی کشور با بیان این مطلب گفت: ابراهیم قنبری‌مهر، استادی بی‌نظیر در صنعت و هنر سازی است. او که یکی از قدیمی‌ترین سازنده‌های ساز در ایران به‌شمار می‌رود، به‌دلیل نبوغی که در موسیقی داشت، توانست سازنده تمام ابزار و آلات موسیقی ایرانی باشد. محمدعلی اسماعیلی نوازنده تنبک نیز از جمله نامدارانی است که در فهرست گنجینه‌های زنده بشری ثبت شد. محمد اسماعیلی سابقه طولانی در تکنوازی و همراهی با ارکستر دارد. نظری، عاشیق سلجوق را نیز خالق، شاعر، آهنگساز و نوازنده ماهر عاشیقی معرفی کرد و افزود: عاشیق سلجوق شهبازی بنیانگذار «خانه ایران عاشیقلاری» است. آنطور که کارشناسان معتقدند، او مسلط‌ترین عاشیق زنده ایران محسوب می‌شود و از بیشترین محفوظات برخوردار است و شاگردان بسیاری نیز تربیت کرده است.